

## انقلاب پاسخ است یا سؤال؟

### جنبش اعتراضی مردم اسپانیا برای نجات زندگی از چنگال سرمایه

تظاهرات دهها هزار نفری و بی سابقه اسپانیا در دهها شهر با وجود آن که غافگیرانه بوداما رعدی در آسمان بی ابر نبود. بلکه برآمده از ابرهای مترکم و سنگین آکنده از بحران سرمایه داری بود که سالهاست فضای اروپا و آمریکا و منطقه و سراسر جهان را پوشانده است. این جنبش در عین حال از تبار جنبش های جدید و متعلق به پارادایم رهایی مبتنی بر پیوند نان آزادی و با نقش آفرینی مستقیم بی شماران سوژه است که در حفاصل سقوط دیوار برلین به مثابه نماد فروپاشی سوسیالیسم دولتی و غیردموکراتیک از یکسو و اعلام پایان تاریخ و پیروزی نهائی لیبرالیسم بورژوازی از سوی دیگر صورت گرفته است. موتور محرک آن نه این یا آن حزب و این یا آن رهبر کاریزما و این یا آن برنامه از پیش تدوین شده بلکه خود بیشماران و خلاقیت های آن و آن نوع سازمان یابی است که تبلور دهنده آن باشد. از همین رو، برش این جنبش ها و درنگی بر آنها، هم چون گدازه هائی که از متن اعماق زمین به بیرون پرتاب می شوند، می تواند دریافتن و تدقیق خصایص عمومی این مرحله انتقالی روشنی بخش باشد. خصایصی که وقوف و خود آگاهی به آنها موجب تقویت نقش سوژگی گشته و بدون درک آنها فهم تحولات دوران کنونی نامفهوم می ماند، و رهایی از بازمانده های جوانب منفی میراث گذشته نیز دشوار.

### انقلاب پاسخ است یا سؤال؟

در آزمون برآمد این جنبش ها، بناگزیر بسیاری از کلیشه ها و انگاره های رسوب کرده در اذهان به چالش کشیده می شوند. یکی از این چالش ها سؤالی قریب به این مضمون است: آیا انقلاب اساسا سؤال است یا پاسخ؟ رویکردهای سنتی معمولاً انقلاب را به مثابه یک پاسخ بسنده به مشکلات می انگارند که سوژه و کنشگران آن، نه تک تک احاد مردمان متعلق به طبقه بزرگ و متکثر زحمت و کار و اقدام های جمعی مبتنی بر اشتراکات و رنج های مشترک استثمارشدگان، بر غم تنوعات و تمایزات آنهاست. در این پاسخ اساسا سوژه اصلی رهبران و ابرمردان و زنان و ابرروایت گران و ابرسازمان دهندگانی هستند که به نیابت از تاریخ و مردم و به عنوان تجسم اراده آنان به نقش آفرینی می پردازند. آنها نسخه رهایی و متضمن پاسخ های جهان شمول را با خود به همراه دارند. با سپری شدن تجارب سترگ و فرجام ناموفق این گونه آزمونها و لاجرم بسط مفهوم سوژه اجتماعی، معلوم شد که انقلاب بیش از آنکه پاسخ باشد سؤال است و یافتن پاسخ برای آنها سؤال است. اولاً باین دلیل که پاسخ های موجود و معطوف به نظم مستقر را نمی پذیرد و باخروش و حرکت خود مهرباطال بر آنها می زند و ثانیاً با فاصله گرفتن از کلیشه ها و نسخه پیچی های مبتنی بر امر پیشینی توسط نخبگان، از طریق جستجوی مشترک در صدد یافتن پاسخ های تازه برمی آید. پاسخ هائی که تنها می توانند از متن پراتیک اجتماعی، در جریان تغییر جهان و از قبل تغییر توانان شرایط زیستی و تغییر انسان به دست آیند. برای انسان به مثابه کنشگر سوژه اجتماعی متحول و تاریخ ساز پاسخ های پیشینی و قابل کشفی وجود ندارد بلکه این پاسخ ها آفریده می شوند. باین ترتیب جنبش های انقلابی عملاً آمیزه ای از سؤال به معنی نفی پاسخ های موجود و تلاش برای یافتن پاسخ های جدید و برآمده از پراتیک اجتماعی هستند. ضمن بهره گرفتن کامل از دستمایه تجارب مثبت و منفی پیشین، اما نه در ارجاع به نسخه های گذشته بلکه با ارجاع به پراتیک اجتماعی و با مشارکت سوژه ها.

جهان دیگر را نمی توان باتکیه بر انگاره ها و ساز و کارهای کهن و متعلق به جهان طبقاتی بوجود آورد. هم چنین از بیرون و در حالت ایستا نمی توان پاسخ های درخور برای معضلات اجتماعی یافت مگر آنکه در جریان دگرگون ساختن جهان و در حین نقد عملی و نظری آن، بستری لازم برای یافتن پاسخ های نظری و عملی برای یک گام به جلوتر رفتن را تدارک دید. از این منظر درنگ برویژگی ها و ماهیت تجربه هائی چون تجربه اخیر اسپانیا برای درک دقیق تر روح زمانه و مشخصات تحولات دوره کنونی لازم و مفید هستند.

در اینجا نگاه فشرده ای داریم به برخی از جوانب آزمون اسپانیا :

### ۱- ماهیت فراگیر بحران

دروهله اول تظاهرات خودجوش و بی سابقه اسپانیا یک بار دیگر آن چه را که در زیر پوست سرمایه داری می گذرد به سطح قابل رؤیت کشاند. بیشتر در منطقه خاورمیانه که حلقه ضعیف در زنجیر سیطره جهانی سرمایه داری را تشکیل می دهد، شاهد تحولات

ورویدهای انفجاری مهمی بودیم و هستیم. گرچه بلندگوها و دستگاه های تبلیغاتی قدرت های سرمایه داری با فراافکنی تلاش ورزیده اند که انفجار بحران را صرفا با دشواری های سیاسی مختص منطقه (استبداد و فساد بی امان) توضیح دهند و نه به عنوان جلوه ای و بخشی از بحران نظام سرمایه داری. اما تظاهرات گسترده زحمتکشان و بیکاران اسپانیایی در قاره اروپا بار دیگر روشن کرد که این گونه بحران های منطقه ای علیرغم داشتن خود ویژگی ها و عوامل تشدید کننده، بخشی از بحران سراسری نظام سرمایه داری بشمار می روند. بنابراین تأکید بر ماهیت فراگیر بحران را باید نخستین نتیجه گیری جنبش اعتراضی اسپانیا دانست. گره خوردن میدان التحریرقاهره و میدان خورشید اسپانیا، در کنار تشابهات دیگر تبلوری از همین اشتراکات است. امروزه اسپانیا با داشتن ۴۵٪ بیکاری در میان جوانان همانقدر در زیر تهاجم سرمایه نئولیبرال و وحشی قرار دارد که تونس و مصر. در فراخوان کمپ بارسلون چنین می خوانیم: ما اینجایم چون جامعه جدیدی را می خواهیم که زندگی ما را مهم تر از سود اقتصادی و سیاسی بداند. ما توسط اقتصاد سرمایه داری خردوله شده ایم.

## ۲- تقابل خیابان و پارلمان، و بحران ژرف دموکراسی بورژوازی

شکاف و دوگانگی کامل بین آنچه که در متن در جامعه می گذرد با آنچه که در سطح دموکراسی رسمی و نمایندگی جاری است، عمق دوگانگی و تضاد بین واقعیت و ادعا را به نمایش می گذارد. مطابق این واقعیت هیچ رابطه ای بین این "دموکراسی" با مطالبات واقعی لایه های گوناگون اجتماعی وجود نداشته و صوری و ریاکارانه بودن این دموکراسی بیش از هر زمانی مشهودتر است. بویژه عملکرد دولت های سرمایه داری در مقابله با بحران اقتصادی، با افکندن بار سنگین مهاران به دوش زحمتکشان، با هدف نجات بانک ها و ارضاء و لغ سیری ناپذیر بورژوازی، تقابل خیابان و پارلمان را به اوج خود رسانده است.

تصاحب خیابانها و نفس حضور اعتراضی شبانه روزی در آن ها، در حدی که صورت گرفت، بیانگر اعمال دموکراسی مستقیم و در عین حال همبسته و مشارکت جویانه است. جنبش اعتراضی اسپانیا با شعار خیابانها و میدان راتصرف کنید، و با اعلام دفاع از خواست دموکراسی مستقیم، یکی از بویژه گی های بارز خود را به نمایش گذاشت.

"قدرت" وقتی از کنشگر جدا شود و واگذار گردد به نیروی سرکوب و بیگانه تبدیل می شود و در این حالت دیگر چندان مهم نیست که درست "سوسیالیست ها و کمونیستها" باشد و یا نمایندگان مستقیم سرمایه. شکاف بین دموکراسی تزیینی پارلمانی با واقعیت ها، چنان آشکار شده است که این بار جادوی دوقطبی راست و چپ درون سیستمی و سوسه سنگین کردن وزن یک طرف بر طرف دیگر کارائی خود را از دست داد. و سوسه ای که بورژوازی همواره به مدد افسون آن مردم را بسود نمایشات خود کشانده است. تظاهرات اسپانیا در مقطع انتخابات و علیرغم بر سر کار بودن یک حزب سوسیال دموکرات و علیرغم ممنوعیت آن، یک ضربه کاری بود به جادوی سیستم بازی انتخاباتی بورژوازی و دوقطبی کاذب آن. این سخن رهبران حزب سوسیالیست که مردم ما را تشبیه کردند، البته بدون آنکه تغییری در سیاست های ریاضت کشانه خود در یک سال آینده ای که بر سر کار هستند بدهند، گویای همین واقعیت است. وقتی آنها ضمن اذعان به این که بسیاری از مردم از مشکلات رنج می برند و جوانان نیز بانگرانی به آینده خود می نگرند، هم چنان بر همان سیاست های گذشته پافشاری می کنند، جز این که بخشی جدانشدنی از سیستم موجود هستند را، به نمایش نمی گذارند.

## ۳- مبارزه در بیرون از سیستم و علیه سیستم

می دانیم که در اسپانیا چندین سال است که حزب سوسیالیست در قدرت است. حزبی که با شعارها و وعده های اصلاحی گوناگون اقتصادی و اجتماعی توانست اکثریت را بدست آورد. حزب مزبور حتی در قیاس با احزاب مشابه آلمان و فرانسه و انگلیس، وعده و وعیدها و برنامه های باصطلاح رادیکال تری داشت. با این همه وقتی که در پشت فرمان ماشین قدرت دولتی قرار گرفت، بناگزی رجز هدایت ماشین سرمایه و روغن کاری و رفع و رجوع مشکلات آن را با هدف افزایش نرخ سود و حل بحران را به عنوان کارکرد اصلی خویش - در دستور کار قرار داد. و این خدمتی است که همیشه احزاب "سوسیالیستی" با ابواب جمعی خود یعنی تشکل ها و اتحادیه های کارگری و غیر کارگری و دستگاه های تبلیغاتی اشان به خصوص در دوره های بحرانی، و در کنار آن ها بخشی از احزاب "کمونیستی" و تشکل های کارگری و غیر کارگری وابسته به آنها، از قرن بیستم تا کنون انجام داده اند. نقش آنها عمدتاً در مهار بحران سرمایه با تمسک و تظاهر به دفاع از خواستهای مردم، پیش از حضور در قدرت سیاسی، و سرکوب آنها پس از مشارکت در قدرت است. اعتراض به این بیلان

بخشی از پتانسیل اعتراضی جنبش های جدید به احزاب و سازمان های سنتی را تشکیل می دهد. از همین رو باور به مبارزه علیه کلیت سیستم و مبارزه برای تحمیل رفرم به سیستم از طریق فشار از پائین و بیرون از سازوکارهای مشارکت در قدرت از ویژگی های این جنبش هاست.

در فراخوان کمپ بارسلونا چنین می خوانیم: ماحول خشمناک، رنجمان و زندگی پر مخاطره و تحت انقیادمان که از نابرابری نشأت می گیرد، متحد شدیم. ولی مهم تر از همه آنچه ما را با هم در یک سنگر قرار داده، اراده و خواست ما برای تغییر است. ما از سیستم کنونی ای که ما را نمایندگی نمی کند و نمی فهمد، احساس جدائی می کنیم. ما داریم برای تغییری رادیکال اعتصاب می کنیم. و مهم تر از همه، ما متفق القول تصرف جامعه را یگانه محرک این دگرگونی می دانیم.

#### ۴- سازمان یابی شبکه ای-افقی

سازمان یابی شبکه ای و مبتنی بر مناسبات افقی، بدون قرار گرفتن در زیر چتر حزب و سازمان رهبری کننده و رهنمود دهنده و نظیر آن... از دیگر خصلت های جنبش های جدید است که در تمایز آشکار با تصورات و باورهای نگاه ها و احزاب سنتی قرار دارد. بی شک، مساله نه بر سر انکار اهمیت سازمان یابی و اقدام جمعی بلکه در سازمان یابی تر از نوینی است که بازتاب دهنده مطالبات و نقش فعال بدنه و پایگاه اجتماعی جنبش به مثابه سوژه های فعال و خودرسان باشد، در قیاس با زمین گیر شدن و سترونی و سیاهی لشکر شدن آنها در سازمان یابی های عمودی و سلسله مراتبی.

در این رابطه در بیانیه کمپ چنین می خوانیم:

ما هیچ حزب سیاسی را نمایندگی نمی کنیم و هیچ حزبی هم نماینده ما نیست...

آنچه که در شهرهای مختلف اسپانیا رخ می دهد، نه یک اتفاق است و نه فقط مختص به اسپانیا؛ ما نبرد کردیم تا جایگاه و شأن، آزادی و عدالت اجتماعی و دموکراسی مستقیم را بازسازی کنیم؛ ما نبرد کردیم تا در روند زندگی خود مشارکت کنیم. ما یک شبکه هستیم، ما خودجوش و مستقل هستیم؛ به همین دلیل ما برای هر مکانی که می خواستیم کاری کنیم نیاز به رهبر نداشته ایم. هر کس خودش با خودش فکر می کرد و با دیگران همفکری می کرد... برای ما مرزها وجود ندارد، شبکه های ارتباطی از آن ماست، و همچنین خیابان ها. جهان دیگری همین حالا ممکن است.

#### ۵- همبستگی جهانی

یکی دیگر از ویژگی های جنبش های جدید خصلت عمیقاً فراملی، منطقه های جهانی آن است. در شرایطی که سرمایه جهانی علیرغم بحران حاد خود، بدلیل جهانی عمل کردن خود قادر به تهاجم بر نیروی کار و مولدین واقعی ثروت و قدرت است، مقابله با پراکندگی و گسست جنبش های اجتماعی-طبقاتی در نقاط مختلف جهان یکی از عوامل مهم در بهم زدن توازن کنونی بسود نیروی کار و سوسیالیسم و سد کردن تهاجم سرمایه بشمار می رود. از همین رو گسترش همبستگی و هم آهنگی پیکارهای طبقاتی و ضد سرمایه داری در مقیاس جهانی بر اساس منافع و مطالبات دردهای واقعا مشترک و برپایه داشتن مناسبات دموکراتیک و همدلانه، یکی از مهم ترین شعارها و مطالبات جنبش های جدید است.

در بیانیه چنین می خوانیم:

ما از قاهره آموخته ایم، از ایسلند و مادرید. حالا زمان آن است که این نبرد گسترش یابد و در جهان پخش شود

ما می خواهیم این لحظات فراموش نشدنی را که در انقلاب اسپانیا می گذرانیم با شما در میان بگذاریم، ما همچنین می خواهیم این اعتراضات و تجمعات را جهانی تر کنیم.

درخواست ما این است که شما نبرد و مبارزه ی خود را بسازید و مراکز اصلی شهرهایتان را تصرف کنید، به همان فرمی که انقلاب های عرب برنامه ریزی شد و ما در اسپانیا نیز همان فرم را پیش گرفتیم. برای نبرد به گروه ها و تشکل های محلی وصل شوید و شروع به چادر زدن کنید. در کمیسیون ها فعالیت و اسناد خود را تهیه کنید. (نقل قولها از بیانیه کمپ بارسلون با استفاده از ترجمه اسل اخوان است).

جنبش های انقلابی نوین بنا به طبیعت خود نمی توانند مدعی پاسخ های بسنده به همه چالش هائی باشند که با آن مواجه اند. هرگامی به جلو برای یافتن پاسخ به پاره ای از مسائل، در عین حال خودکشاینده سوالات تازه ای است. یکی از این چالشها، مساله ادامه کاری واستمرار مبارزه است. به نحوی که مثلا در اسپانیا پس از پایان شوک انتخاباتی، نیز بتواند در راستای تداوم خود و مبارزه برای تحقق مطالبات خود و مبارزه برای "جهانی دیگر" گام های کارسازی بردارد. بی تردید شبکه سازی در حوزه ها و عرصه های گوناگون، وتقویت همکاری وهم آهنگی پیرامون برپائی کمپین های مناسب، در کنار بهره برداری از فرصت های مهمی که بحران سرمایه داری وتکانه های آن برای عرض اندام در مقیاس کلان وسراسری فراهم می کند، از جمله این تکاپوهاست. یک بار دیگر باید خاطر نشان ساخت پاسخ قابل کشفی وجود ندارد باید آن را در پراکسیس اجتماعی آفرید! انسان خود خالق خویشتن و شرایط زیستی خود، با اتکاء به آگاهی ونیروی جمعی خویش است.

۲۰۱۱-۰۵-۳۰ ۰۹-۰۳-۹۰ تقی روزبه

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com>

taghi\_roozbeh@yahoo.com